

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۳

موضوع کلی: سوره بقره

مصادف با: ۲۱ شوال ۱۴۴۵

موضوع جزئی: آیه ۵۵ و ۵۶ - بخش دوم - مطلب چهارم: مواجه شوندهگان با صاعقه -

جلسه: ۳۶

احتمالات پنج‌گانه - بررسی احتمال پنجم و اول و دوم

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین

مطلب چهارم: مواجه شوندهگان با صاعقه

مطلب چهارم از مطالبی که مربوط به بخش دوم آیه است، این است که «فاخذتکم الصاعقة» آیا فقط مربوط به بنی اسرائیل است و گروهی هستند که تقاضای رؤیت خداوند را داشتند یا اعم است و شامل حضرت موسی (ع) هم می‌شود؟ در پاسخ به این پرسش چند احتمال مطرح است؛ یعنی اگر بخواهیم ثبوتاً احتمالاتی را که در پاسخ این سؤال می‌توان ذکر کرد بیان کنیم، چه بسا پنج احتمال در این رابطه قابل ذکر باشد.

احتمالات پنج‌گانه

احتمال اول: یک احتمال اینکه کلاً موجب مرگ همگان شد؛ چون در آیه بعد دارد «ثم بعثناکم من بعد موتکم»، با آن تقریبی که گفتیم، بگوییم هم آن عده از بنی اسرائیل و هم حضرت موسی گرفتار موت شدند و آنگاه دوباره خداوند آنها را زنده و احیاء کرد.

احتمال دوم: احتمال دوم اینکه بگوییم همه گرفتار بیهوشی شدند و آنگاه به هوش آمدند. صاعقه موجب شد که هم آن گروه و هم حضرت موسی بیهوش شوند و بعد خداوند دوباره آنها را به هوش بیاورد.

احتمال سوم: احتمال سوم اینکه آن گروه مردند و گرفتار مرگ شدند، اما حضرت موسی بیهوش شد.

احتمال چهارم: احتمال چهارم اینکه آن عده گرفتار مرگ شدند اما حضرت موسی مدهوش شد. حالا توضیح خواهیم داد که مدهوشی غیر از بیهوشی است.

احتمال پنجم: احتمال پنجم این است که اساساً اخذ صاعقه فقط کسانی را شامل شد که درخواست رؤیت کرده بودند؛ اما نه حضرت موسی و نه بقیه که چنین درخواستی نکرده بودند از آن هفتاد نفر، اینها گرفتار مرگ نشدند. تفاوت این احتمال با چهار احتمال قبلی در شمول حکم نسبت به آن عده‌ای است که تقاضای رؤیت نکرده بودند؛ یعنی غیر از حضرت موسی، کأن یک عده‌ای از آن همراهان تقاضای رؤیت کردند و یک عده تقاضای رؤیت نکردند.

بررسی احتمال پنجم

از میان این احتمالات پنج‌گانه، احتمال اخیر که در تفسیر کاشف^۱ مطرح شده، نه تنها دلیلی بر تأیید آن نداریم بلکه دلیل

۱. تفسیر کاشف، ج ۱، ص ۱۰۶.

برخلاف آن داریم. یعنی از برخی روایات^۱ به وضوح استفاده می‌شود که همه کسانی که همراه حضرت موسی بودند، صاعقه به آنها اصابت کرد و آنها از دنیا رفتند. در تاریخ هم این چنین آمده است. در خود آیات هم ضمایی که به کار رفته، ضمیر «کم» و ضمیر «هم»، قدر متیقن این است که افرادی که با حضرت موسی همراه بودند را دربرمی‌گیرد. می‌فرماید: «فَأَخَذَتْكُمْ الصَّاعِقَةُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ»؛ درست است این خطاب آنقدر عام است که شامل یهودیان زمان پیامبر(ص) هم می‌شود، اما قدر متیقن از این آیه کسانی هستند که همراه حضرت موسی بودند. یا آیه ۱۵۵ سوره اعراف که می‌فرماید: «فَلَمَّا أَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ» مجموعاً اینها نشان می‌دهد که «اخذتکم الصاعقه» قطعاً همه همراهان را شامل شد و همه آنها مبتلا به صاعقه شدند.

بررسی احتمال اول

اما این احتمال که حضرت موسی هم مانند آن جماعت مبتلا به مرگ شده باشد، این هم قطعاً مردود است. ما قرائن محکمی داریم بر اینکه حضرت موسی از دنیا نرفت، بلکه سائرین گرفتار شدند. من آن قرائن را خیلی خلاصه عرض می‌کنم.

قرینه اول

تعبیر آیه اخذ صاعقه، نشانگر یک نوع عذاب است؛ یعنی کأن خداوند تبارک و تعالی می‌خواهد کیفر تقاضای نامعقول آنها را بیان کند؛ چون گفتند «لن نؤمن لك حتى نرى الله جهرة». این تقاضا بعد از آن همه بینات و آیات و معجزات، دلیل کافی شمرده می‌شد که آنان باید تنبیه شوند؛ ولی نسبت به حضرت موسی وجهی نداشت؛ البته نه اینکه آن ماجرا هیچ تأثیری در حضرت موسی نگذاشت، بالاخره حضرت موسی در همین حادثه یک جلوه‌ای از عظمت خدا را دید؛ خداوند به نوعی بر او تجلی کرد. طبیعتاً تجلی خداوند آن هم برای حضرت موسی با همه ظرفیت وجودی، بدون اثر نیست. اما حضرت موسی اصلاً چنین تقاضایی نکرده بود که بخواهد عذاب شود.

إن قلت: البته ممکن است اینجا سؤال کنید که اگر قرار بود عذاب و کیفر چنان تقاضایی باشد، پس چرا همه این هفتاد نفر گرفتار صاعقه شدند؟ چون در میان همین جماعت یک عده‌ای بودند که این تقاضا را نکرده بودند.

قلت: پاسخ این است که البته خیلی معلوم نیست که عده‌ای از آنها چنین تقاضایی نکرده باشند؛ ظاهرش این است که همه آنها این تقاضا را مطرح کردند.

پس قرینه اول این است که چون در مقام تعذیب و کیفر چنان درخواست نامعقولی بود، معنا نداشت که متوجه حضرت موسی شود.

قرینه دوم

خداوند تبارک و تعالی درباره حضرت موسی یک تعبیر دیگری به کار برده است؛ در سوره اعراف می‌فرماید: «فَلَمَّا

۱. نورالتقلین، ج ۱، ص ۷۶.

أَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَكَ تُبْتُ إِلَيْكَ^۱، تعبیر به افاقه کرده است؛ افاقه در مقابل مرگ نیست؛ یعنی درباره کسی که مرده باشد نمی‌گویند افاقه، بلکه می‌گویند احیاء. لذا خداوند فرمود «ثم بعثناکم من بعد موتکم»، درباره آنها این تعبیر را به کار برد که ما بعد از مُردن شما، شما را احیا و زنده کردیم. اما در مورد حضرت موسی می‌فرماید: «فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَكَ تُبْتُ إِلَيْكَ»، وقتی حضرت موسی افاقه پیدا کرد؛ افاقه یعنی برگشت به حال عادی. یک وقت کسی بیهوش یا مدهوش می‌شود، وقتی از آن حالت به حالت عادی برمی‌گردد، تعبیر به افاقه می‌شود.

قرینه سوم

قرینه سوم، تعبیر تجلی است؛ در مورد حضرت موسی تعبیر می‌کند که خداوند تجلی کرد برای موسی. بدیهی است این با تعبیری که در مورد سایرین به کار رفته، تفاوت دارد؛ اینکه دیگران با اخذ الصاعقة گرفتار موت شدند و بعد خداوند آنها را احیا کرد. اما در مورد حضرت موسی تعبیر تجلی به کار می‌برد. بعد هم می‌فرماید: «جعلہ دکاً»؛ اینکه تجلی پروردگار با زلزله شدید و زیر و رو شدن کوه همراه شد، طبیعتاً در خود حضرت موسی هم یک اثری گذاشت؛ اما خود حضرت موسی از این امر آسیبی ندید که منجر به مرگ و موت او شود.

دو سه قرینه دیگر هم اینجا در بُعد ایجابی داریم که این را عرض خواهیم کرد که حضرت موسی در آن ماجرا مدهوش یا بیهوش شد، بنابر اختلافی که اینجا وجود دارد. لذا قدر مسلم این است که مرگ نبوده است.

پس ما هم قرائن ایجابی و هم قرائن سلبی داریم مبنی بر اینکه سرنوشت حضرت موسی در آن ماجرا با بقیه متفاوت بود؛ بقیه گرفتار مرگ شدند اما حضرت موسی گرفتار مرگ نشد. پس این احتمال که همه آن گروه یعنی همراهان و خود حضرت موسی مبتلا به مرگ شده باشند، این احتمال هم مردود است.

پس این دو احتمال ثبوتاً قابل قبول نیست. یکی مرگ برای آن جماعت درخواست‌کنندگان رؤیت نه حضرت موسی و نه کسانی که چنین درخواستی را نکردند؛ این احتمال ثبوتاً ممکن بود اما اثباتاً رد شد. احتمال اینکه مرگ برای همه هفتاد نفر و حضرت موسی با هم، این احتمال هم رد شد.

بررسی احتمال دوم

احتمال سوم یعنی اینکه همگان بیهوش یا مدهوش شده باشند، این هم قطعاً با ظاهر این آیات سازگار نیست، چنانچه معلوم گردید.

پس سه احتمال ثبوتی مورد اشکال واقع شد و اثباتاً ملاحظه فرمودید که نه تنها دلیلی بر تأیید اینها نیست بلکه برخلاف آن دلیل داریم؛ حتی بعضی از این احتمالات را که در بعضی کتاب‌های تفسیری وجود دارد، رد می‌شود.

بحث جلسه آینده

دو احتمال دیگر باقی مانده است؛ یک احتمال، احتمال مرگ آن گروه و بیهوشی حضرت موسی؛ و احتمال دیگر مرگ

۱. سوره اعراف، آیه ۱۴۳.

آن گروه و به تعبیر برخی از اساتید ما مدهوشی حضرت موسی است. این دو احتمال را باید بررسی کنیم و ببینیم که اثباتاً کدام یک از این دو قابل تأیید است.

«والحمد لله رب العالمین»